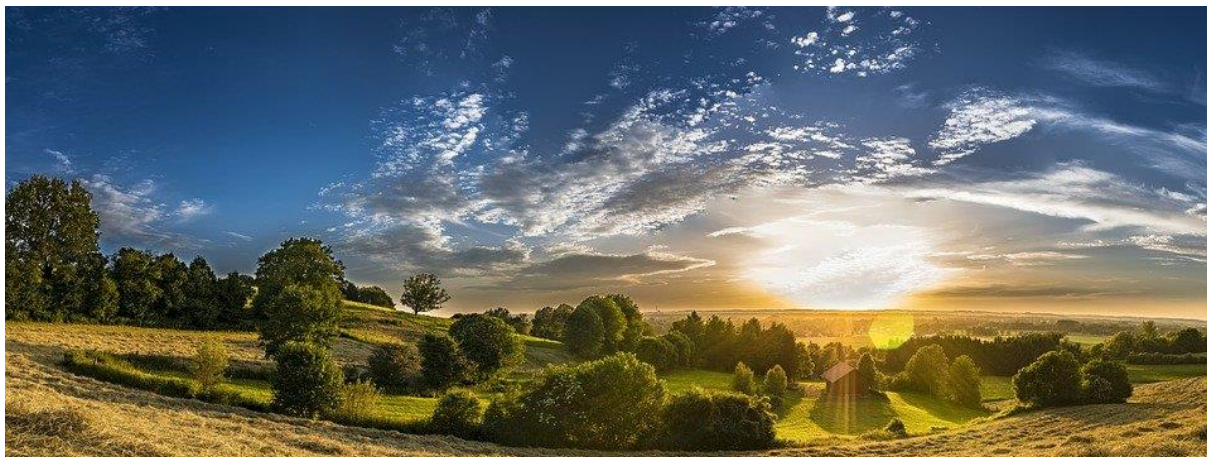


ما زیر آسمان بسته زندگی نمی کنیم.

یوحنا ۲۱، ۱۴-۱



پس از این وقایع، عیسی بار دیگر خود را در کنار دریاچه تبرییه «همان «دریاچه جلیل» بر شاگردان نمایان ساخت. او این چنین نمایان گشت 2: بروزی شمعون پطرس، توما معروف به دوقلو، تئنائیل از مردمان قانای جلیل، پسران زبدی و دو شاگرد دیگر با هم بودند 3: شمعون پطرس به آنها گفت: «من به صید ماهی می‌روم.» آنها گفتند: «ما نیز با تو می‌آییم.» پس بیرون رفته، سوار قایق شدند. اما در آن شب چیزی صید نکردند 4: سحرگاهان، عیسی در کنار ساحل ایستاد؛ اما شاگردان درنیافتند که عیسی است 5: او به آنها گفت: «ای فرزندان، چیزی برای خوردن ندارید؟» پاسخ دادند: «نه!» گفت: «تور را به جانب راست قایق بیندازید که خواهید یافت.» ایشان چنین کردند و از فراوانی ماهی قادر نبودند تور را به درون قایق بکشند 7: شاگردی که عیسی دوستش می‌داشت، به پطرس گفت: «خداوند است!» شمعون پطرس چون شنید که خداوند است، در دم جامه خود را گرد خویش پیچید - زیرا آن را از تن به در آورده بود - و خود را به دریا افکند. 8: اما دیگر شاگردان با قایق آمدند، در حالی که تور پر از ماهی را با خود می‌کشیدند، زیرا فاصله آنها با ساحل فقط دویست نیراع 9: چون به ساحل رسیدند، دیدند آتشی با زغال افروخته است و ماهی بر آن نهاده شده، و نان نیز هست 10: عیسی به ایشان گفت: «از آن ماهیها که هم‌کنون گرفتید، بیاورید 11: شمعون پطرس به درون قایق رفت و تور را به ساحل کشید. تور پر از ماهیهای بزرگ بود، به تعداد صد و پنجاه و سه ماهی. و با اینکه شمار ماهیها بدین حد زیاد بود، تور پاره نشد 12: عیسی به ایشان گفت: «بیاوید صبحانه بخورید.» هیچ‌یک از شاگردان جرأت نکرد از او بپرسد، «تو کیستی؟» زیرا می‌دانستند که خداوند است 13: عیسی پیش آمده، نان را برگرفت و به آنها داد، و نیز ماهی را 14: این سومین بار بود که عیسی پس از برخاستن از مردگان بر شاگردان خویش نمایان می‌شد.

بالاخره، عید پاک به اتمام رسیده بود. عیسی بارها و بارها توسط شاگردان دیده می‌شد، اما بیشتر اوقات او ناپدید می‌ماند. و آنها فکر می‌کردند: «بدون عیسی، چه کاری باید انجام دهیم؟» و جواب این سوال این بود: «هیچ راه دیگری به جز گذراندن زندگی روزمره وجود ندارد تا بتوانیم نانی روی بشقاب داشته باشیم.» همه اینها در اندیشه پطرس بود وقتی می‌گفت: «بیاوید به صید ماهی برویم!» اتفاق عجیب این بود که شاگردان بدون شک و تردید همین کار را انجام دادند. «بدون عیسی مسیح به ماهیگیری برویم!» آره، آنها بایستی عادت می‌کردند بدون عیسی زندگی کنند. تکان دهنده این است چگونه آنها این شرایط را به طوری راحت پذیرفتند انگار رستاخیز عیسی به هیچ عنوان اتفاق نیفتاده بود. و شرایط آنها حتی با ماهیگیری شان هم ناامیدانه بود، چون هیچ ماهی هم نگرفتند! تورهای آنها کاملاً خالی بودند! به این دلیل عید پاک به طوری کاملاً ناامیدانه به پایان رسیده بود! عیسی از یک زندگی جدید صحبت کرد. او از ما انسان‌ها به عنوان یک موجود جدید صحبت کرد و یک زمین جدیدی را به ما قول داد. و عیسی این را با معجزات ملموس ثابت کرد. حداقل از طریق رستاخیز شگفت‌انگیز او، زندگی شاگردان بایستی کاملاً تغییر کرده باشد! اما وقتی همه این کار عیسی تمام شد گفتند: «حالا همه چیز به شکل زمان پیش از عیسی باقی مانده است. باید به زندگی روزمره برگردیم و زندگی را بگذرانیم، ... بالاخره در پایان مثل همه ی انسانها باید بمیریم.» همه چیز همانطور که همیشه بوده، مانده است! در این داستان که امروز از کتاب مقدس می‌شنویم، نه تنها ناامیدی شاگردان عیسی را می‌بینیم، بلکه ناامیدی همه افرادی را که می‌خواهند عیسی را در زندگی شان ببینند، می‌بینیم. اما عیسی ما را تنها نمی‌گذارد! او شاگردهایش را تنها نگذاشت! او ما را تنها نمی‌گذارد، بلکه به سوی ما می‌آید! جالب است که در تمام کتب مقدس شاگردان، مسیح رستاخیز شده را به رسمیت نشناختند. زنان عیسی را کنار قبرش نشناختند تا زمانی که او خود را آشکار کرد. و شاگردان امانوس مدت‌ها با عیسی صحبت کردند و تنها زمانی که عشای ربانی بر گزار کردند چشمانشان باز شد. این نیز در متن کتاب مقدس ما امروز اتفاق افتاده بود. اول عیسی شاگردان را دوباره به ماهیگیری فرستاد و تنها زمانی

که تورها پر می شد متوجه شدند که عیسی است. این خود عیسی است که چشم شاگردان را باز کرد. شاگردان هیچ تصویری نداشتند که چگونه عیسی را پیدا کنند. به همین دلیل است که آنها فقط به ماهیگیری رفتند. اما عیسی مسیح تمام مدت می دانست کجا هستند. و اوست که به دنبال آنها بود و به آنها نشان داد که هرگز دور نیست. امروز هم هنوز چنین است. شاید اینطور باشد که ما عیسی را نمی بینیم اما با این حال او نزدیک است. و او ما را می بیند! بعضی وقتها خودش را به ما نشان می دهد اما فقط در صورتی که خودش بخواهد این کار را انجام دهد! وقتی عیسی خود را به شاگردان نزدیک جلیل آشکار کرد چه کاری انجام داد؟ آیا آنها را به یک جلسه دعوت کرد تا بتواند از نکته ۱ تا ۱۰ به آنها دستوری دهد چه کاری باید در آینده انجام دهند؟ نه، عیسی ماهی را کباب کرد و فقط آنها را به خوردن و نوشیدن دعوت کرد. این کاری است که عیسی همیشه انجام داده است! او با مردم می خورد تا به آنها نشان دهد که متعلق به آنهاست. خوردن غذا نیز اشاره ای به وعده غذایی بزرگی بود که روزی با خدا در بهشت جشن خواهیم گرفت، یادآور این که خدا ما را به وعده غذایی بزرگش در بهشت دعوت می کند و با او در صمیمیت خواهیم بود. و عیسی ماهی را گرفت و به آنها داد. با نان همین کار را کرد. آن را بر گرفت و به آنها داد. این موضوع همچنین یادآور عشاء ربانی است. و به ما نشان می دهد که ما در عشاء ربانی با عیسی ارتباط نزدیکی داریم. ای انجمن عزیز! روشن است، که عیسی مسیح می خواهد شاگردان خود را یادآوری کند که او در ارتباط با آنها است. شاگردان در آن زمان روح القدس را نیافته بودند. بنابراین چاره ای جز ماهیگیری کردن برای آنها وجود نداشت. اما بدون عیسی، تورهای آنها خالی ماند! برای ما مسیحیان این داستان بسیار مهم است زیرا به ما نشان می دهد که اگر کاری بدون عیسی انجام دهیم چه اتفاقی می تواند بیفتد. چقدر سریع می توانیم از کلیسا بیرون برویم و فراموش کنیم که عیسی در مرکز است. شاگردانی که با تورهای خالی ایستادند، سمبل کلیسایی هستند که بدون عیسی تلاش می کند که در آن ذات ماموریت به تبلیغات و یا حتی بدتر از آن استعمار تغییر کرده است! با این کار کلیسا تنها تلاش می کند تا قدرت و فرهنگ خود را گسترش دهد! و کلیسایی که بسیاری از افکار جالب فلسفی، یا حتی سیاسی را بدون عیسی گسترش می دهد، کلیسایی بدون هدف است و خودش را از دست داده است. همانطور که پولس نیز در نامه به قرنتیان نوشت: اگر ما می خواهیم بدون پروردگار رستخیز شده تلاش کنیم، ما فقیرترین از همه مردمان هستیم! به محض اینکه تمرکز از عیسی بر داشته شود، مواظ ما بی معنی است! عیسی باید پایه و اساس، نیرو و هدف کار ما باشد. و عیسی در وضعیت ناامیدانه ما با ما روبه رو می شود و به ما نشان می دهد که با چه کسی سر و کار داریم. اما عیسی نه تنها به ما نشان می دهد که با چه کسی سر و کار داریم، بلکه به ما نشان می دهد چه کاری باید انجام دهیم. پطرس دقیقاً یاد داشت چگونه عیسی در گذشته به او دستور داد که باید تورش را به سمت راست باندازد. در آن زمان هم ماهی زیادی صید کرد. و انگونه به او نشان داد که باید از آن به بعد ماهیگیر انسان باشد! وقتی عیسی مسیح این کار را تکرار کرد، می خواست یادآوری کند، وظیفه واقعی شاگردان همین بود. آنها نه تنها باید به زندگی روزمره ناامید نه برگردند، بلکه به تمام جهان بروند و از عیسی مسیح صحبت کنند. پیام انجیل باید به بسیاری برسد، باید به تمام جهان برسد.

۱۵۳ ماهی که شاگردان عیسی اجازه داشتند در تورهای خود بگیرند، تنها تعدادی ماهی نبودند، بلکه به ماموریت آینده آنها اشاره می کرد. یک پدر کلیسا هیرونیموس بیان کرد که در آن زمان ۱۵۳ نوع ماهی در جهان شناخته شده بود. و گفت که عدد ۱۵۳ سمبلی از اقوام مختلفی هست که بعدها جایی در کلیسا پیدا می کنند. و با این حال تورها پاره نخواهند شد. جا برای همه در پادشاهی خدا وجود دارد! در واقع هنگامی که روح القدس نزول کرد، برخی از این ملت ها عضو کلیسا بودند. و تا به امروز انجیل در سراسر جهان و به تمام زبان ها اعلام شده است. عیسی با نمایان کردن خود به شاگردانش نشان داد که او هرگز دور نیست و او همچنان به آنها یادآوری می کرد که چگونه باید دنبال عیسی باشند. شاگردان از ماهیگیری خسته شده بودند و گرسنه بودند و ناامید هم بودند. و عیسی شاگردانش را تنها نگذاشت. او یک وعده غذایی را با آنها نگه داشت که در آن همه چیز را آشکار ساخت. انجمن عزیز همیشه لازم است که به نکته اول ایمانمان برگردیم. این مهم است که ما به یاد داشته باشیم که عیسی ابتدای ایمان ما است. او همچنین کسی است که ما را به هدف ما هدایت می کند. ما همیشه کامل نیستیم. شاید مجبور باشیم ناامیدی های زیادی را تجربه کنیم. اما این هم ممکن است که ما تورهای پر برکت خدا را داشته باشیم. در همه این شرایط عیسی هرگز دور نیست. او در دست راست خدا می نشیند و می گوید: بیا، غذا آماده است. آمین ..